

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده‌ی ادبیات و زبان های خارجی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:

فرهنگ معنی در دیوان اشعار فخرالدین عراقی

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم رنجبر

استاد مشاور:

دکتر رامین محرّمی

پژوهشگر:

پریسا حسن زاده خرم

شهریور ۱۳۹۳

تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

این جانب پریسا حسن زاده خرم دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی ۹۱۱۱۱۶۳۱۲۳ که در تاریخ ۹۳/۰۶/۱۵ از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان فرهنگ معنی در دیوان اشعار فخرالدین عراقی دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- ۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- ۲) مسئولیت صحّت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- ۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- ۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مآخذ ذکر نموده‌ام.
- ۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هر گونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- ۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- ۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی ادبیات و زبان های خارجی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:

فرهنگ معنی در دیوان اشعار فخرالدین عراقی

پژوهشگر:

پریسا حسن زاده خرم

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان نامه با درجه‌ی

| امضاء | سمت | مرتبه‌ی علمی | نام و نام خانوادگی |
|-------|------------------------------------|--------------|--------------------------|
| | استاد راهنما و رئیس کمیته‌ی داوران | دانشیار | دکتر ابراهیم رنجبر |
| | استاد مشاور | دانشیار | دکتر رامین محرّمی |
| | داور | دانشیار | دکتر شکرالله پورالخاص |

شهریور ۱۳۹۳

تقدیم

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم پدر و مادری فداکار نصیبم ساخته تا در سایه درخت
پربار وجودشان بیاسایم و از ریشه‌ی آن‌ها شاخ و برگ گیرم و از سایه‌ی وجودشان در راه
کسب علم و دانش تلاش نمایم.

والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم؛ چرا که این
دو وجود پس از پروردگار مایه هستی ام بوده اند، دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی
زندگی پر از فراز و نشیب آموختند.

آموزگارانی که برایم زندگی، بودن و انسان بودن را معنا کردند.

حال این برگ سبزی است تحفه‌ی درویش تقدیم آنان ...

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در این سردترین روزگاران
بهترین پشتیبان هستند.

و به پاس محبت‌های بی دریغشان که هرگز فروکش نمی‌کند.

این مجموعه را به پدر و مادر عزیزم تقدیم می‌کنم.

سپاس‌گزاری

سپاس‌ خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان و امدار وجودشان است.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی‌شائبه‌ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم.

اما از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می‌کند و سلامت امانت‌هایی را که به دستش سپرده‌اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب "من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ": از پدر و مادر عزیزم... این دو معلم بزرگوارم... که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت‌هایم گذشته‌اند و در تمام عرصه‌های زندگی یار و یاور بی‌چشم داشت برای من بوده‌اند؛ از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر ابراهیم رنجبر که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛ از استاد صبور و با تقوا، جناب آقای دکتر رامین محرمی، مدیریت محترم کرسی گروه، که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی‌رسید؛ و از جناب آقای دکتر شکرالله پورالخاص که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

| | |
|---|---------------------------|
| نام خانوادگی دانشجو: حسن زاده خرم | نام: پریسا |
| عنوان پایان‌نامه: فرهنگ معنی در دیوان فخرالدین عراقی | |
| استاد راهنما: دکتر ابراهیم رنجبر استاد مشاور: دکتر رامین محرمی | |
| مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد | رشته: زبان و ادبیات فارسی |
| گرایش: محض | دانشگاه: محقق اردبیلی |
| دانشکده: ادبیات و زبان های خارجی | تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۰۶/۱۵ |
| | تعداد صفحات: ۵۷ |
| <p style="text-align: center;">چکیده</p> <p>معنی‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های دانش زبان‌شناسی به مطالعه‌ی محتوایی زبان می‌پردازد؛ یعنی مطالعه‌ی شبکه‌ی روابطی که بین واحدهای زبانی و پدیده‌های جهان وجود دارد. این شاخه از دانش زبان‌شناسی چگونگی انتقال معنی را از طریق زبان بیان می‌کند. در معنی‌شناسی، واژه به عنوان یکی از اجزای اصلی کلام، نقش عمده‌ای در انتقال مفاهیم دارد. معنی به دلیل پیوستگی با جهان خارج از ذهن، اهمیت فراوانی دارد و می‌تواند ما را با توانایی گوینده نسبت به یک زبان آشنا سازد. ما بسیاری از مفاهیم اساسی در شعر عراقی را در قالب یک فرهنگ و به شکل مصداقی، بررسی کرده‌ایم. بر این اساس، دیوان اشعار فخرالدین عراقی را مطالعه و بسیاری از معانی متداول و پراهمیت در کلام او را گردآوری کرده‌ایم. بنابراین ما در این پژوهش با مطالعه‌ی مستقیم دیوان فخرالدین عراقی و مطالعه‌ی مطالب مرتبط با موضوع، به تدوین فرهنگ معنی پرداخته‌ایم. بدین صورت که برای واژه‌های استخراج شده از دیوان عراقی با توجه به مفهوم آن‌ها، الفاظ مترادف را بازشناخته و به ترتیب حروف الف - با به منطبق یک فرهنگ فارسی منظم کرده‌ایم؛ یک واژه را مدخل قرار داده و واژه‌های مترادف را به آن ارجاع داده‌ایم و متناسب با واژه‌ها شاهد مثال‌هایی را از دیوان عراقی ارائه داده‌ایم.</p> | |
| کلید واژه‌ها: اشعار، عراقی، فرهنگ، معنی، | |

فهرست مطالب

| شماره و عنوان مطالب | صفحه |
|---------------------|------|
|---------------------|------|

فصل اول: کلیات پژوهش

| | |
|-------------------------|----|
| ۱-۱- مقدمه..... | ۲ |
| ۲-۱- مبانی نظری..... | ۸ |
| ۱-۲-۱- تعریف زبان..... | ۸ |
| ۲-۲-۱- واژه..... | ۸ |
| ۳-۲-۱- معنی..... | ۹ |
| ۴-۲-۱- فرهنگ نگاری..... | ۹ |
| ۱-۴-۲-۱- مدخل..... | ۹ |
| ۲-۴-۲-۱- مترادف..... | ۹ |
| ۳-۴-۲-۱- ارجاع..... | ۱۰ |
| ۴-۴-۲-۱- شاهد مثال..... | ۱۰ |

فصل دوم: بحث و بررسی و نتیجه

| | |
|-------------------------|----|
| ۱-۲- بحث و بررسی..... | ۱۲ |
| ۲-۲- نتیجه..... | ۵۵ |
| فهرست منابع و مآخذ..... | ۵۶ |

فصل اوّل

کلیات پژوهش

عرصه‌ی ادبیات به گلزاری می ماند بس بزرگ که از هر کرانه‌ای شمیم ریاحین علوم ادبی مشام جان را می نوازد. بخشی از این عرصه پهناور را عرفان تشکیل می دهد.

فخرالدین عراقی (۶۱۰-۶۸۸) یکی از چهره های تابناک حوزه‌ی محی الدین عربی و شاگرد صدرالدین محمد قونوی و معاصر با بزرگانی از این نحله مانند مؤید الدین جندی و سعدالدین حمویه و... است. او از نخستین عارفانی است که در تلفیق مکاتیب عرفان و تصوف نقش داشته است؛ یعنی، حوزه‌ی تصوف عاشقانه که در ایران با ابوسعید ابوالخیر آغاز می شود و با ظهور شیخ احمد غزالی و عین القضاة همدانی به ذروه کمال می رسد و حوزه شیخ شهید، شهاب الدین سهروردی و حوزه تازه ظهور کرده‌ی محیی الدین و اصحابش. پویندگان وادی طریقت و جویندگان اکسیر حقیقت گه گاه مخازن معارفی را به عنوان رهاورد سفر لاهوتی خویش نثار خاک نشینان عالم امکان نموده اند که از آن جمله می توان به میراث گران‌بهای دلداده‌ی بزم عرفان، فخرالدین عراقی، یعنی لمعات که جرعه نوش جام شیخ اکبر محی‌الدین ابن عربی است، اشاره کرد (مسگرنژاد، بی تا: ۱۵۵). آثار او عبارتند از:

۱. دیوان اشعار

۲. لمعات او که به نظم و نثر است و موضوعش سیر و سلوک عاشقانه است. به احتمال قوی این کتاب را در قونیه، پس از حضور در مجالس صدرالدین قونوی نوشته‌است و تفسیرهای زیادی بر آن نوشته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها اشعه‌اللمعات جامی است.

۳. عشاق‌نامه یا ده‌نامه کتاب مخلوطی از مثنوی و غزل‌های اوست که مجموعاً شامل ۱۰۶۳ بیت است. وی در هر فصل آن یکی از مباحث عرفانی را گفته و آن را همراه با تمثیل و حکایات به پایان رسانیده است. از ویژگی‌های اشعارش این‌که شعر و نثرش گرم و کلامش ساده و استوار است. مثنوی‌ها و قصایدش رنگ حکمت دارند. عراقی در سخنانش از سوز درون و شوق باطن و کمال نفسش حکایت می‌کند. کلامش ساده و استوار است. در ترکیبات و ترجیعاتش، شور و شوق بی‌مانندی که نشان از التهاب درونی اوست دیده می‌شود. این شوق گاهی با تأمل در معارف و حقایق عرفانی همراه می‌شود و گاهی با

توصیفات بدیع و کم سابقه‌ای از حالات سالکان. مثنوی و قصایدش بیشتر رنگ واقعیات را دارند و به همین دلیل لطافت غزل هایش را ندارند (عراقی، ۱۳۸۷: ۱۵ و ۱۶).

الف) بیان مسأله

زبان فارسی یکی از بزرگ‌ترین زبان‌های ایرانی است که در قاره‌ی آسیا مقام و نفوذی یگانه دارد و هیچ‌یک از زبان‌های دیگر ایرانی به آن دست نیافته‌اند. حوزه‌ی گسترش این زبان از شمال شرقی به آسیای میانه و از مشرق به چین و از جنوب به تمام شبه قاره‌ی هندوستان و از مغرب به سراسر آسیای صغیر می‌رسد (معین، ۱۳۸۱: بیست و یک). ادبیات فارسی مخصوصاً اشعار آن در میان ادبیات جهانی رتبه-ای عالی دارد. یکی از پایه‌های اساسی شناخت زبان، لغت‌نامه است که نقش مهمی در کمال زبان دارد. فرهنگ نویسی، زبان را توصیف و شکل و ماهیت آن را ثبت می‌کند. رواج فرهنگ نویسی در یک زبان، باعث غنای آن می‌شود. «فراوانی فرهنگ‌ها به ما کمک می‌کند تا در مقابل هر مفهوم جدید، واژه‌ای پیدا کنیم و محتاج استفاده از واژه‌های بیگانه نباشیم» (خطیر، ۱۳۹۰: ۲). بهره‌گیری و آشنایی عراقی با مکاتب و اندیشه‌های قلندران، مکتب سهروردیه، اندیشه‌های عرفانی خواجه احمد غزالی، آشنایی با مکتب وجد و سماع مولانا جلال الدین بلخی و آشنایی با نظریات و آرای شیخ اکبر محی الدین ابن عربی باعث شده است که وی از نظر توانایی‌های ذوقی و معنوی به صورت یک عارف متفکر که حامل جریان قوی و پیوندهای مشترک عرفان خراسان و عراق عجم (همدان، سجاس و قزوین) و روم و مغرب بوده درآید. همین پیوند سبب تولد غزلیات شورانگیز عراقی شده است. وی مضامین عرفانی را با بیانی زیبا و لطیف آورده است و ما سعی داریم در این پژوهش به بررسی واژگان متفاوت در قالب یک معنی بپردازیم که به نوعی معنی شناسی مربوط است. «معنی شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های دانش زبان‌شناسی به مطالعه‌ی محتوایی زبان می‌پردازد؛ یعنی، مطالعه‌ی شبکه‌ی روابطی که بین واحدهای زبانی و پدیده‌های جهان وجود دارد» (همان، ۴). این شاخه از دانش زبان‌شناسی چگونگی انتقال معنی را از طریق زبان بیان می‌کند. در معنی‌شناسی، واژه به عنوان یکی از اجزای اصلی کلام، نقش عمده‌ای در انتقال مفاهیم دارد. واژه‌ها از دو بخش لفظ و معنی تشکیل می‌شوند. لفظ، صورت ظاهری یک واژه است و معنی، همان اندیشه‌ای است که در ذهن گوینده یا نویسنده‌ی آن واژه وجود دارد. «معنی به دلیل پیوستگی با جهان

خارج از ذهن، اهمّیت فراوانی دارد و می‌تواند ما را با توانایی گوینده نسبت به یک زبان آشنا سازد» (همان، ۵). بسیاری از مفاهیم اساسی در شعر عراقی را در قالب یک فرهنگ و به شکل مصداقی، بررسی می‌کنیم. به همین دلیل، دیوان اشعار فخرالدّین را مطالعه و بسیاری از معانی متداول و پراهمّیت در کلام او را جمع‌آوری می‌کنیم. بررسی واژگان مترادف در کلام عراقی، فهم اشعارش را برای مخاطب آسان می‌کند و می‌توان دانست که شاعر کدام کلمات و اصطلاحات و تعبیرات را مترادف قرار داده‌است که این کار به مطالعه‌ی فرهنگ تاریخی زبان فارسی کمک شایانی می‌کند. همچنین می‌تواند الگوی مناسبی از سبک انتقال معنی به فارسی‌زبانان معرفی کند.

ب) سوالات اصلی پژوهش

۱. تنوع و مفاهیم واژگانی در دیوان فخرالدین عراقی چگونه است؟

ج) فرضیات پژوهش

در دیوان اشعار فخرالدّین عراقی مفاهیم عرفانی بیش‌ترین الفاظ را به خود اختصاص داده‌اند.

د) هدف (اهداف) پژوهش

۱. آشنایی با زبان فخرالدین عراقی.
۲. شناسایی واژگان مترادف در کلام عراقی.
۳. آشنایی با قدرت و میزان واژه‌سازی عراقی.

ه) ضرورت و اهمّیت پژوهش

با بررسی گسترش معنی در دیوان اشعار فخرالدّین عراقی گنجینه‌ای از واژگان کاربردی در اختیار ما قرار می‌گیرد. امروزه حجم زیاد ترجمه از زبان‌های غربی، واژه‌های بیگانه، جا را برای واژگان اصیل فارسی تنگ کرده‌است. پس ضرورت دارد که موادّ اولیه یعنی واژگان در اختیار مترجمان باشد تا در جایگزینی و معادل‌یابی کلمات بیگانه امکاناتی بیش‌تر در اختیار داشته‌باشند. بررسی بیان یک معنی در قالب واژگان متعدّد در آثار شاعران می‌تواند نتایج ارزنده‌ای در حوزه‌ی زبان و ادب فارسی فراهم کند. زیرا «هرقدر ذهن، توسعه و رشدش بیش‌تر باشد و معانی زیادتری درک کند به همان نسبت، حاجتش به الفاظی که بتوانند آن معانی را برسانند بیشتر خواهد بود» (همان، ۶).

(و) پیشینه‌ی پژوهش

خطیر (۱۳۹۰) در پایان نامه‌ی خود با جمع آوری لغات و اصطلاحات و تعبیرات و ترکیبات دال بر یک معنی، در یک مجموعه‌ی خاص به ترتیب الف - با فرهنگ معنی در آثار منظوم سعدی تدوین کرده است و غیر از این تاکنون در این زمینه کاری صورت نگرفته است و همچنین فرهنگ نویسی براساس معنی‌شناسی در دیوان اشعار فخرالدین عراقی پژوهشی است که تا به حال صورت نگرفته است. علاوه بر این، درباره عراقی بویژه افکار و روش طریقتی و احوال وی، تحقیقی جدی به عمل نیامده است. در این جا به ذکر چند عنوان مقاله که بیش تر در جهت شناخت عراقی و عقاید و آثار اوست، می پردازیم.

صاحب اختیاری (بی تا) بعد از بیان مقدمه‌ای کوتاه مشتمل بر چند قسمت از جمله بررسی چاپ جدیدی از لمعات عراقی از نظر نسخه شناسی، نسخه‌های تصحیحی لمعات، پیوند فرهنگ عرفانی در مشرق و مغرب تمدن اسلامی در اندیشه‌ی عراقی، به اشتباهات موجود در تذکره‌ها پرداخته است. این مقاله می‌تواند در جهت شناخت اندیشه‌ی عراقی تا حدودی مؤثر باشد.

دهقانی و الهی (۱۳۸۸) ابتدا به موضوعات نوستالژی و خاطره، نوستالژی و رمانتیک و نوستالژی و غم غربت پرداخته، سپس به سخن عراقی و تأثیر این عوامل در روحیه‌ی وی اشاره کرده‌اند. این نوشته حاوی مطالب مفیدی در مورد شناخت بخشی از مضامین و محتوای اشعار دیوان عراقی است.

مقصود زاده (۱۳۸۷) در مورد مسأله‌ی رمز «در» در شعر کلاسیک فارسی که در بین مردم تاجیک مورد احترام زیاد است، سخن گفته است. این واژه، تدریجاً در شعر عرفانی معنی‌های بیشتر و عمیق‌تری بر خود گرفته است و در اشعار عراقی نیز هست. در اشعار صوفیانه‌ی عراقی «در» رمزی است که فضای علوی و قدسی را از فضای سفلی و عادی یا به اصطلاح خود عراقی عالم ربوبیت را از عالم عبودیت جدا کرده است. در واقع استفاده از رمز «در» در اشعار شاعر، واژه‌ای مفتاحی است و از ویژگی‌های سبکی اوست. این مقاله می‌تواند منبعی در جهت شناخت مضمون اشعار عراقی باشد.

سادات ناصری (بی تا) ابتدا مختصری به زندگی عراقی و اقامت او در شهر قونیه و ... پرداخته و بعضی نزدیکی‌های میان غزلیات او و مولانا جلال الدین را نقل کرده است. این مقاله می‌تواند در جهت شناخت عراقی و احوال وی مفید واقع شود.

مسگر نژاد (بی تا) به بیان مفهوم عشق در فرهنگ اسلامی، مکتب اشراق و عناوین دیگر پرداخته و این نکته را بیان کرده که سوانح خواجه احمد غزالی در مورد معانی عشق و لمعات عراقی در مورد مراتب عشق است و در حدّ فاصل این دو کتاب عبهر العاشقین روز بهان است که او این اثر را در حالات عشق به شیوه‌ی خاصی نوشته است. این مقاله در جهت شناخت محتوای اثر او منبعی خوب است.

اختر چیمه (بی تا) به زندگی‌نامه‌ی عراقی، آثار منظوم و منثور او پرداخته و بعد از توضیحی کوتاه در مورد عقاید او، برخی عقاید و افکار عراقی را با استشهاد از اشعار و آثار وی بیان می‌کند. این نوشته در جهت شناخت فخرالدین عراقی مفید است.

پاک سرشت (۱۳۷۹) به بیان مفاهیمی مانند وحدت وجود، جبر و اختیار، قضا و قدر، تشبیه و تنزیه و ... پرداخته و تأثیر پذیری عراقی، شبستری و جامی را در هر مورد بیان کرده است. اساس نظریه‌ی ابن-عربی بر اصل وحدت وجود مبتنی است. از نظر وی وجود حقیقتی است واحد و ازلی که آن هم خداست و عالم مظاهر گوناگون این حقیقت واحد است. ابن‌عربی به جبر ذاتی معتقد بوده است، او و پیروانش جمع بین تشبیه و تنزیه را پذیرفته‌اند. به نظر آن‌ها فعل و خلق سلسله‌ای از تجلیات حق در مظاهر اشیا بوده و انسان کامل مظهر اسم اعظم در هستی است. فخرالدین در لمعه اول و چهارم از کتاب لمعات با عنوان ظهور وحدت در کثرت به اصل پر اهمّیت وحدت وجود اشاره دارد. این نوشته نیز در جهت شناخت عقاید عراقی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این مقاله در جهت شناخت احوال عراقی و بخشی از مضامین اشعار او قابل توجه است.

اکبری و نجفی (بی تا) به معرفی ملامتیه و توضیح آداب و رسوم و اصول آیین آن‌ها پرداخته و بازتاب اندیشه‌های ملامتی را در شعر آن شاعران بررسی کرده‌اند. بر جای ماندن نام و شهرت عراقی در میان صاحب‌دلان، به خاطر شورانگیزی اشعار قلندرانیه‌ی اوست. در غزلیات قلندرانیه‌ی عراقی به پیر نورانی بر-می‌خوریم که به کمک سالک می‌شتابد و او را به ترک ریا و سالوس دعوت می‌کند. عراقی در اندیشه‌های قلندری و ملامتی به شدت و حدّت عطار و حافظ نیست؛ زیرا چون آن‌ها با کسی سر ستیز ندارد و به مانند آن‌ها پیوسته با زاهدان ریاکار و ظالمان در جدال نیست و در غزلیات او این تازش بر ظلم و ریا کم-تر دیده می‌شود. این مقاله نیز در شناسایی احوال و جهان بینی شاعر مؤثر است.

غریب حسینی و صرفی (۱۳۹۰) به این مسئله اشاره دارند که آثار عراقی آینه‌ای است که آراء و اندیشه‌های ابن‌عربی در آن‌ها منعکس شده‌است. عراقی یکی از ناقلان مهم آثار ابن‌عربی است. وی گاه با بیان علمی دقیق و گاه در قالب تعبیرهای شاعرانه، به تحلیل و ترویج مباحث فلسفی و عرفانی ابن‌عربی پرداخته‌است. در این میان گاه اندیشه‌های وی با ابن‌عربی تطابق کامل دارد و گاه توأم با نوآوری است که در نتیجه‌ی تجربه‌ی عارفانه‌ی اوست. این مقاله با استفاده از روش سندکاوی و با بهره‌گیری از فنون تحلیل محتوا به شکل تطبیقی اندیشه‌های بنیادین عرفانی که محور پاره‌ای از اندیشه‌های دیگر است قلمرو نظام هستی را مورد بررسی قرار داده‌است که در مورد شناخت بخشی از مضامین اشعار دیوان او مفید است.

میرزا ملا احمد (بی تا) ابتدا به معرفی کتاب عشاق نامه می‌پردازد. عشاق نامه از شاهکارهای عراقی است که احساس و اندیشه‌های شورانگیز عشقی و عرفانی شاعر را ابراز می‌نماید. مثنوی مذکور کاملاً به توصیف عشق و جنبه‌های گوناگون معنوی و اخلاقی آن اختصاص داده شده‌است. عشق از نظر عراقی یکی از واجبات و لوازم روحانی حیات انسان است که بدون آن زندگی معنی ندارد. ارزش این مثنوی برای تحقیق احوال و آثار و جهان بینی و افکار شاعر و حل مسائل مختلف مثنوی سرایی در ادبیات ایران است. این مقاله در جهت شناخت آثار عراقی و محتوای آن‌ها مؤثر است.

(ز) مواد و روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق ما بنیادی و از نوع کتابخانه‌ای و توصیفی است. در تحقیق توصیفی محقق وضع موجود را مطالعه می‌کند و در هنگام مطالعه، در موضوعات مورد مطالعه مداخله یا اقدام خاصی انجام نمی‌دهد و آن را که هست بررسی، مطالعه و گزارش می‌کند. نتایج تحقیقات توصیفی در جهت شناسایی موضوع مورد مطالعه بوده و براساس آن گزارش و پیشنهادهایی ارائه می‌شود. بنابراین ما در این پژوهش با مطالعه‌ی مستقیم دیوان فخرالدین عراقی و مطالعه‌ی مطالب مرتبط با موضوع، به تدوین فرهنگ معنی خواهیم پرداخت؛ بدین صورت که برای واژه‌های استخراج شده از دیوان عراقی با توجه به مفهوم آن‌ها، الفاظ مترادف را بازشناخته و به ترتیب حروف الف - با به منطبق یک فرهنگ فارسی منظم خواهیم کرد؛ یک واژه را مدخل قرار داده و واژه‌های مترادف را به آن ارجاع می‌دهیم و متناسب با واژه‌ها شاهد مثال‌هایی را از دیوان عراقی ارائه می‌دهیم.

۱-۲- مبانی نظری

۱-۲-۱- تعریف زبان

زبان، مهم‌ترین ابزار برقراری ارتباط اجتماعی و بیان اندیشه است. از دیگر نقش‌هایی که زبان بر عهده دارد «ایجاد ارتباط ادبی و انتقال پیام‌های ادبی است... گذشته از نقش ارتباط زبانی و ارتباط ادبی، زبان، مهم‌ترین نمودار چگونگی فرهنگ و اقتصاد و سیاست و دین‌داری و دیگر مظاهر اجتماعی یک ملت است. زیرا هر گاه پدیده‌ای در جامعه ظاهر می‌شود واژه‌ی آن هم در زبان، پیدا می‌شود و چون پدیده‌ای از کاربرد یک جامعه بیرون رود واژه‌ی آن هم از واژگان آن جامعه بیرون می‌رود ولی هم‌چنان آن واژه در سری واژگان قاموس زبان باقی می‌ماند» (برومند، ۱۳۷۹: ۷).

۱-۲-۲- واژه

واژه مهم‌ترین و اساسی‌ترین واحد زبان است. «در پیدایی زبان، از آواها به عنوان نشانه‌های زبانی استفاده می‌شود. از ترکیب آواها واژه‌ای به دست می‌آید که دلالت بر همان موضوع و مفهومی دارد که برای آن وضع شده است» (همان: ۶). هر واژه، بیانگر واقعیتی در عالم خارج یا ذهنیتی در درون انسان است. «کالبد واژه یا لفظ، همان صورت ملفوظ آن و جان واژه، همان صورت اندیشه‌ای است که در ذهن پدیدار می‌گردد» (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۵۰۹).

۱-۲-۳- معنی

معنی رابطی است میان واژه و تصویر ذهنی آن. در ادب فارسی معنی دو مفهوم دارد. یک معنای مطلق و عام که ناظر بر ساحت کیفی پدیده‌هاست و یک معنی خالص که البته پیش‌تر در حوزه‌ی علوم زبانی و علم منطق است که غالباً به مفهوم گذر از نشانه‌های زبانی و رسیدن به مدلول در ورای نشانه‌هایی است که زبان و کلمات را برای آن‌ها وضع کرده‌اند (خطیر، ۱۳۹۰: ۱۲). «واژه، عنصر سیال زبان است و معنی لغات و کلمات از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر تغییر خصوصیت می‌دهد... هیچ کلمه‌ای در سکون نیست و به همین دلیل است که مرز معنایی لغات، هیچ‌گاه مشخص نمی‌شوند» (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۴۱۶). بنابراین یک واژه ممکن است چندین معنی با بار عاطفی متفاوت داشته باشد. یکی از راه‌کارهای

لازم برای بررسی این جوانب مختلف در واژگان، تدوین فرهنگ واژگان مترادف است. در این جا لازم است که ضرورت فرهنگ نویسی تبیین شود.

۱-۲-۴- فرهنگ نگاری

واژه ی « فرهنگ»، هم به معنی « کتاب لغت» و هم به معنی دانش، ادب و معرفت است (هاشمی میناباد، ۱۳۸۶: ۵۳) اما در تعریف آن به عنوان یک کتاب لغت می توان گفت: « فرهنگ، عبارت است از کتابی حاوی بخشی از واژه‌های یک زبان که معمولاً به ترتیب الفبایی آرایش می‌یابند و با اطلاعاتی درباره‌ی معانی، تلفظ، املاء و مانند آن‌ها به یک زبان یا زبانی دیگر همراهند» (همان: ۷۴). ایرانیان از زمان‌های دور به تدوین انواعی از فرهنگ‌نامه‌ها می‌پرداختند. در همان دورانی که زبان فارسی دری منتشر شد، مردم قلمرو زبان پهلوی، نیازمند کتابهایی بودند که زبان دری را به آن‌ها بیاموزد و این سرآغاز فرهنگ نویسی در زبان فارسی دری بود (خطیر، ۱۳۹۰: ۱۱). قدیمی ترین کتابی که در این زمینه نوشته شده « لغت فرس» ابو منصور علی ابن احمد اسدی طوسی است.

برای تدوین یک فرهنگ نامه، باید نکات زیادی را در نظر گرفت. فرهنگ تنها منبع برای یافتن معانی یک لفظ است که تدوین آن نیازمند به کارگیری الگوها و معیارهایی برای برش معانی و تفکیک مفاهیم مختلف و آرایش و سامان دادن آن‌ها در حوزه‌های معنایی خاص است (همان: ۱۲).

یک فرهنگ شامل بخش‌های «مدخل»، « مترادف»، «ارجاع» و « شاهد مثال» است که آن‌ها را معرفی می‌کنیم.

۱-۲-۴-۱ مدخل

هر چند تعریف مدخل روشن است، گفتن این نکته لازم است که «مدخل، واحد فرهنگ لغت و مرکب از یک واژه و اطلاعاتی است که در مورد آن داده می‌شود» (هاشمی میناباد، ۱۳۸۶: ۲۶).

۱-۲-۴-۲ مترادف

مترادف، واژه‌ای است که فرهنگ نگار آن را برای توضیح مدخل می‌نویسد که به درک معانی، مفاهیم مرتبط یا زمینه‌های تخصصی کمک می‌کند (خطیر، ۱۳۹۰: ۱۳).

۱-۲-۴-۳-ارجاع

ارجاع، عبارت است از فرستادن و هدایت کاربرنده به سمت واژه‌ها یا اطلاعات مرتبط با واژه‌ی مدخل در جای دیگری از فرهنگ تا ارتباط بین آن‌ها مشخص شود، درک اطلاعات مربوط به واژه‌ی مدخل تسهیل گردد، اطلاعات جدیدی برآن افزوده شود و ابهامات احتمالی برطرف گردد (همان: ۱۳).

۱-۲-۴-۴-شاهد

شاهد، جنبه‌ی کاربردی و قابل درک یک مدخل را به ما نشان می‌دهد که در فهم قواعد معنایی، و دستوری حاکم بر کاربرد واژه کمک می‌کند.

فصل دوّم

بحث و بررسی و نتیجه

بحث و بررسی

آباد: جهان هنر دایم آباد باد/از آن معدن فضل و کان هنر/۲۰۴/۱۰ قصیده

بسامان؛ رفت که بودی مرا کار بسامان، دریغ!! نوبت کارم کنون بی سروسامانی است/۴۵/ ۱۸ غزل

آب چشم: کشت امید را که خشک بماند/ بهتر از آب چشم من نم نیست/ ۳۷/۵۴ غزل

۱. اشک؛ ناله‌ی زار عاشقان، اشک چو خون بی دلان / هیچ اثر نمی‌کند در دل هم‌چو سنگشان/

۲۱۳/۱۴۰ غزل

۲. نم چشم؛ با نم چشم و اشک چون باران/راز یاران نهفته ز اغیاران/ ۲۸۰/فصل چهارم عشاق نامه

آثار: تاهمه نور آفتاب بود/نبود بیش ذره را آثار/۲۰۴/ ۱۱ قصیده

نشان؛ عشق سیمرغی است که او را دام نیست/در دو عالم زاو نشان و نام نیست / ۵۵/ ۳۸ غزل

آبرو: زبهر آبرو یک رویه کن کار/ که آنجا آبرو ریزد دو رویی/ ۳۰۳/۱۸۵ غزل

نام و ننگ؛ ز بند نام و ننگ آنکه شد آزاد/ که دل را در سر زلف بتان بست/ ۱۲/۴۲ غزل

آرام: مرا دور از رخ دلدار دردی است/که آن را نیست آرامی دریغا/ ۶/۳۹ غزل

۱. آسانی؛ شماس چو رویش خوشید پرستی شد/زاهد هم اگر دیدی رهبان شدی آسانی/ ۱۷۴

۲۸۱/ غزل

۲. آسایش؛ هر کسی دارد ز خود آسایشی، دردا که من/راحتی از خود ندارم، مرگ به زاین زندگی

۲۷۵/۱۷۱/ غزل

۳. آسوده؛ از مسما هر که یابد بهره‌ای/فارغ و آسوده از اسما شود/ ۱۱۱/۹۰ غزل

۴. ایمن؛ آفتاب صفای صفه ی او/ایمن از وصمت کسوف و زوال/ ۱۴/۲۰۹ قصیده

۵. تن آسان؛ ز بهر راحت تن را مرنجان، جان نکو نبود/که جان را در خطررداری و تن را در تن

آسانی/۲۲۳/ ۲۵ قصیده

۶. فارغ؛ دیدی چون من خرابی افتاده در خرابات/فارغ شده ز مسجد و از لذت مباحات/ ۹/۴۰ غزل

۷. فراغت؛ نه فراغت به حب حال من/ات/نه مجالی که بشنوم سخت/ ۳۰۱/فصل نهم عشاق نامه